



الگوی نقش آفرینی حوزه و دانشگاه در تمدن سازی مبتنی بر منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی

حامد نجاران طوسی^۱

چکیده

حاکمیت اسلام در جهان و تحقق تمدن نوین اسلامی به عنوان مهم ترین آرمان و چشم انداز نهایی، همواره مورد تأکید امامین انقلاب اسلامی قرار داشته است. رسیدن به این آرمان والا بدون نقش آفرینی ویژه توسط نهاد علم (حوزه های علمیه و دانشگاه ها) که تغذیه فکری و علمی جامعه را برعهده دارند، میسر نخواهد شد؛ اما این امر چه ملزوماتی دارد و چگونه و با چه کیفیتی باید اتفاق بیفتد؟ این مقاله درصدد است تا به این موضوع پرداخته و چگونگی نقش آفرینی حوزه و دانشگاه را از مجموعه بیانات و تدابیر امامین انقلاب اسلامی استخراج نماید. برای رسیدن به این هدف از روش کیفی «تحلیل مضمون» استفاده شده و با استخراج ۱۷۳۶ مضمون اولیه، الگویی مشتمل بر ابعاد، مؤلفه ها و شاخص های نقش آفرینی نهاد علم در تحقق تمدن نوین اسلامی تدوین گردید. این الگو دو بُعد اساسی «پرورش انسان» و «توسعه حکمت» دارد. «پرورش انسان» ۴ مؤلفه «الزامات کلی»، «تربیت فکری و اعتقادی»، «تربیت فرهنگی و اخلاقی» و «تربیت علمی و مهارتی» داشته و «توسعه حکمت» شامل ۴ مؤلفه «الزامات کلی»، «تولید فکر»، «تولید علم» و «فناوری و نوآوری» است. در ذیل هر کدام از این مؤلفه ها نیز شاخص هایی وجود دارد که الگوی نقش آفرینی حوزه و دانشگاه را در تحقق تمدن نوین اسلامی، تبیین می نمایند.

کلیدواژه ها: تمدن سازی؛ حوزه علمیه؛ دانشگاه؛ انقلاب اسلامی.

مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی، سرآغاز حرکت پرشتاب و عظیمی است که با سرنگونی رژیم ستم‌شاهی و برپایی نظام مقدس جمهوری اسلامی، امیدهای فراوانی را برای تحقق آرمان بلند تمدن نوین اسلامی پدید آورد. این تمدن در مبانی، ارزش‌ها، فرهنگ و سبک زندگی، تفاوت‌های عمیقی با تمدن مسلط غربی دارد که استکبارستیزی و مبارزه با نظام سلطه، از ویژگی‌های بارز آن است. دست‌یابی به این آرمان بلند، نیازمند طی مراحل مختلف و ساختن مسیر جدیدی است. در این راستا باید بخش‌های مختلف جامعه و نهادهای حاکمیتی به صورت هماهنگ و منسجم نقش‌آفرینی نمایند که در این میان، نقش نهاد علم شامل حوزه و دانشگاه در ریل‌گذاری و هدایت قطار پیشرفت و رشد جامعه در مسیر صحیح انقلابی نقشی بی‌بدیل و بدون جایگزین است. در حقیقت حوزه‌های علمیه و دانشگاه دو شعبه از یک نهاد و مؤسسه هستند، همان‌گونه که امام خامنه‌ای فرموده‌اند: «مؤسسه علم و دین، یک مؤسسه است و علم و دین باهم‌اند. این مؤسسه، دو شعبه دارد؛ یک شعبه، حوزه‌های علمیه و شعبه دیگر، دانشگاه‌ها هستند.» (۱۳۶۸/۰۹/۲۹؛ سخنرانی به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه).

رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) همواره بر اهمیت حوزه و دانشگاه و نقش آن‌ها در سرنوشت ملت‌ها تأکید داشتند: «دانشگاه مبدأ همه تحولات است. از دانشگاه، چه دانشگاه علوم قدیمه چه دانشگاه علوم جدید، از دانشگاه سعادت یک ملت و در مقابل سعادت، شقاوت یک ملت سرچشمه می‌گیرد. دانشگاه را باید، جدیت کرد، جدیت بکنید دانشگاه را درستش کنید» (۱۳۵۸/۰۳/۱۶، صحیفه امام، ج ۸، ص ۶۱).

با توجه به این اهمیت ویژه حوزه و دانشگاه، امام خامنه‌ای خواستار تعریف و تبیین چگونگی ایفای نقش آن‌ها در تمدن‌سازی نوین اسلامی شده‌اند. به‌عنوان نمونه، معظم‌له در سال ۱۳۷۹ این موضوع را در دیدار با حوزویان و در سال ۱۳۹۴ در دیدار با دانشگاهیان به‌صراحت بیان نمودند: «خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است. ... حوزه علمیه در این میان کجا قرار دارد؟ چه نقشی دارد؟ چه نقش‌آفرینی دارد؟ ... ببینید حوزه علمیه چگونه باید باشد و چه کار باید بکند؟ واجبات این حوزه چیست؟» (۱۳۷۹/۰۷/۱۴ در دیدار با فضیلاي حوزه علمیه قم). «ما چه کار

کنیم که از این دانشگاه ... بتوانیم برای ایجاد تمدن نوین اسلامی بهره ببریم؟ ... دانشگاه [در این زمینه] چه نقشی می تواند ایفا کند و چه کار باید بکند؟ اولاً نقش آفرینی دانشگاه لازم است، ثانیاً سؤال این است که چه باید کرد؟ ما چه کار کنیم که بتوانیم به اینجا برسیم؟ ... [این] بحث جلسه‌ای و سخنرانی‌ای نیست؛ این‌ها کارهای تحقیقاتی مفصلی لازم دارد؛ ... شما به عنوان مدیران دانشگاه‌ها و مسئولان دستگاه آموزش عالی کشور روی این فکر کنید؛ مسئولیت دانشگاه را بر این اساس قرار بدهید» (۱۳۹۴/۰۸/۲۰) در دیدار با رؤسای دانشگاه و مسئولان آموزش عالی کشور).

بدین جهت می توان عنوان نمود که حوزه و دانشگاه در نظام اسلامی یک هدف واحد را دنبال می کنند و آن، تمدن سازی نوین اسلامی است. بی شک این امر، بدون شناخت دقیق از چگونگی و نحوه اثرگذاری آن‌ها در ایجاد تمدن امکان پذیر نخواهد بود. یکی از مهم ترین منابع شناخت این موضوع، بیانات و تدابیر تفصیلی و عمیق امامین انقلاب اسلامی است که از ابتدای شروع نهضت اسلامی تا امروز مانند چشمه‌ای جوشان هدایتگر انقلاب بوده و هست.

تمدن سازی نوین اسلامی در نگاه امامین انقلاب اسلامی

فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی به پنج مرحله (۱) پیروزی نهضت و انقلاب اسلامی، (۲) برقراری نظام اسلامی، (۳) تشکیل دولت اسلامی، (۴) ایجاد جامعه اسلامی و (۵) تشکیل تمدن و شکل گیری امت اسلامی تقسیم می گردد (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴). مرحله اول با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و مرحله دوم با استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۸ به انجام رسیده است؛ اما مراحل بعدی یعنی تحقق کامل دولت اسلامی، جامعه اسلامی و در نهایت تشکیل تمدن و امت اسلامی هنوز در حال تکمیل بوده و البته در این مسیر با چالش های زیادی نیز مواجه شده است. تشکیل نهاد علم مطلوب، در عین اینکه یکی از غایات و اهداف این انقلاب در مراحل دولت سازی، جامعه سازی و تمدن سازی است، وسیله ای برای رسیدن به این اهداف نیز به شمار می رود.

شکل گیری حکومت مردم سالار دینی برآمده از مشروعیت شرعی و مقبولیت مردمی، گفتمان های جدیدی را فرا روی بشر جدید نهاده که یکی از مهم ترین آن ها احیا و بازسازی تمدن نوین اسلامی است. یکی از الزام های اصلی برای تحقق این تمدن، «نظام فکری، معرفتی و تولید

دانش و فناوری» است که محفل اساسی آن نهادهای فکر و علم در این تمدن شامل «حوزه‌های گران‌سنگ علمی دینی به‌عنوان ارائه‌دهندگان مبانی و بنیان‌های تمدنی» و «دانشگاه‌ها به‌عنوان تولیدکنندگان علم و فناوری» و جامعه تربیت‌شدگان و تعلیم‌یافتگان این مراکز هستند. بدین ترتیب نهاد علم هم وظیفه «تولید، تبیین و تعمیق تفکر، علم، معرفت و فرهنگ» را برعهده دارند و هم به‌واسطه «تربیت نیروی انسانی فعال جامعه»، نقشی تأثیرگذار در شکل‌گیری و رشد تمدن ایفا می‌کند. کیفیت تحقق اهداف و آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی نیز ریشه در چگونگی کارکرد این نهاد مهم و اساسی دارد، چراکه تحقق تمدن نوین اسلامی در گرو پیشرفت در «عرصه‌های چهارگانه فکر، علم، زندگی و معنویت»^۱ است که حوزه و دانشگاه در این زمینه مسئولیت مستقیم دارند. تمدن نوین اسلامی در حال شکل‌گیری است و انقلاب اسلامی، پرچم‌دار آن در جهان محسوب می‌شود. در این مسیر حوزه و دانشگاه نیازمند بازتعریف نقش، مأموریت، رسالت و کارکرد خود هستند تا هم در تحقق اهداف مراحل مختلف انقلاب اسلامی، نقش مهم خویش را ایفا نموده و هم بستر ساز توسعه و ساخت ابعاد مفهومی این تمدن برای ارائه در عصر جدید باشند. بسیاری از اندیشمندان جهان نیز کارکرد مهم تمدن‌سازی را برای نهادهای علمی از جمله دانشگاه‌ها قائل هستند. سده‌های متوالی است که فعالان حوزه‌های علمی و فرهنگی در سراسر جهان تمدن‌یافته، مناسبت تمدن و آموزش را دریافته‌اند و همگان در این رأی هم‌آوازند که مدنیت در گروی آموزش انسان‌هایی است که در زمان مکان مدنی زیست می‌کنند (سفیدخوش، ۱۳۹۶: ۹). دانشگاه وظیفه تعمیق، بسط و گسترش آموزش و دانش را برعهده دارد؛ لذا در شکل‌گیری، رشد و نمو هر تمدنی اثرگذار بوده و کانون انباشت علم برای تمدن‌سازی محسوب می‌شود و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر هنر، فن، اقتصاد، سیاست، ادبیات، فلسفه، اخلاق، حقوق، دین و بالأخره علم در مفهوم خاص آن تأثیرگذار است (خرمشاد، ۱۳۹۰).

شالوده‌های تمامی ویژگی‌ها و مشخصه‌های تمدنی به‌خوبی در کارکردهای حوزه و دانشگاه دیده شده است؛ بنابراین در صورتی که نهاد علم به رسالت خود، آگاهی داشته و به وظایف و کارکردهای خویش به‌خوبی عمل کند، می‌تواند سازنده تمدنی پویا و مستحکم باشد. حوزه و دانشگاه، فرهنگ عمومی کشور را می‌سازند و بالنده می‌کنند و این بالندگی، در برون‌داد دانشگاه

۱. امام خامنه‌ای (دام‌ظله): ۱۳۸۲/۰۲/۲۲

به صورت خرده فرهنگ‌ها در حوزه‌های مختلف صنعتی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دیده می‌شود؛ سپس همه این‌ها از مجرای فرهنگ عمومی در درازمدت تمدن را محقق می‌سازند (خرمشاد و آدمی، ۱۳۸۸).

روش پژوهش

برای تبیین چگونگی نقش آفرینی حوزه و دانشگاه در تمدن‌سازی مبتنی بر اندیشه‌های امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (دام‌طله)، از روش «تحلیل مضمون» استفاده شد. «تحلیل مضمون» به دنبال استخراج مضامین برجسته متون در سطوح مختلف است و برای شناسایی و تشریح چرایی و چیستی یک پدیده، می‌توان از آن استفاده نمود. «تحلیل مضمون» شامل جست‌وجو در مجموعه‌ای از داده‌ها برای یافتن الگوهای تکرارشونده از معانی است. شکل و محصول «تحلیل مضمون» ممکن است متفاوت باشد از این رو، مهم است که سؤالات تحقیق، قبل، بعد و هنگام «تحلیل مضمون»، مورد توجه و بررسی قرار گیرند. فرایند کلی انجام این روش را می‌توان به مراحل کلی زیر تقسیم نمود:

۱. جمع‌آوری و یافتن متون مرتبط با موضوع؛
 ۲. تقلیل و کاهش متون با انتخاب جملات مرتبط در بین متون جمع‌آوری شده؛
 ۳. یافتن و شناسه‌گذاری مضامین اولیه جملات و عبارات‌های منتخب و
 ۴. ترکیب مضامین اولیه برای رسیدن به مفاهیم فراگیرتر.
- همه مراحل فوق با تفسیر و تحلیل همراه بوده و به صورت رفت و برگشتی اصلاح و تکمیل می‌گردد. با توجه به اینکه «تحلیل مضمون» یک نوع پژوهش کیفی است، بدیهی است برخی از مراحل آن مشابه سایر روش‌های تحقیق کیفی باشد. این فرایند می‌تواند در زمان جمع‌آوری داده‌ها آغاز شود اما نقطه پایان این فرایند تهیه گزارشی از محتوا و معانی الگوها و مضامین در داده‌هاست. این نوع تحلیل فرایندی است که طی زمان شکل می‌گیرد و نیازمند صبر و حوصله فراوان است (شیخ‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۱-۲۳).

مرحله اول، جمع‌آوری آرا و نظرهای امامین انقلاب اسلامی درخصوص موضوع تحقیق بود. دیدگاه‌های حضرت امام (ره) از نسخه رایانه‌ای صحیفه امام (ره) (مجموعه بیانات، پیام‌ها و نامه‌های

ایشان از سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۶۸)، منتشر شده در پایگاه گسترش آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره) استخراج گردید. کلیه مطالب ثبت شده در این کتاب، بررسی و مواردی که در آن‌ها کلیدواژه‌هایی شامل دانشگاه، حوزه، تمدن و موارد مرتبط بود به علاوه تمامی مطالب ایشان خطاب به حوزویان، دانشجویان، اساتید دانشگاه و ستاد انقلاب فرهنگی انتخاب گردید. مجموع این موارد به علاوه وصیت‌نامه الهی سیاسی معظم‌له، مشتمل بر ۷۶ سخنرانی و پیام شد که از این میان ۲۲ عنوان مطلب، مربوط به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و ۵۴ عنوان مطلب مربوط به پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. پس از این کار، نظرات و دیدگاه‌های امام خامنه‌ای (دام‌ظله) بالغ بر ۳۷۱ عنوان سخنرانی، مصاحبه، حکم، پیام و ... جمع‌آوری شد. منبع اصلی در این زمینه پایگاه اطلاع‌رسانی و نرم‌افزار حدیث ولایت ایشان بود؛ اما برخی مطالب و بیانات منتشر نشده هم چون ۹ دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال‌های مختلف، پس از جست‌وجو در منابع دیگری هم چون سایر پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و گزارش‌ها و کتاب‌های منتشر شده، به دست آمد.

پس از جمع‌آوری آرا و نظرات امامین انقلاب اسلامی، شناسایی مضامین اولیه و شناسه‌گذاری آغاز گردید. در نهایت ۱۷۳۶ مضمون اولیه (شناسه) استخراج شد. با عنایت به اهداف و سؤالات تحقیق، مضامین اولیه، در قالب ۳۵ مضمون سازمان‌دهنده (شاخص) ترکیب و این مضامین پس از دسته‌بندی در سطوح مختلف، در نهایت در ۸ مضمون فراگیر (مؤلفه) طبقه‌بندی شد که در ادامه به‌طور تفصیلی، تشریح خواهد گردید.

یافته‌های پژوهش

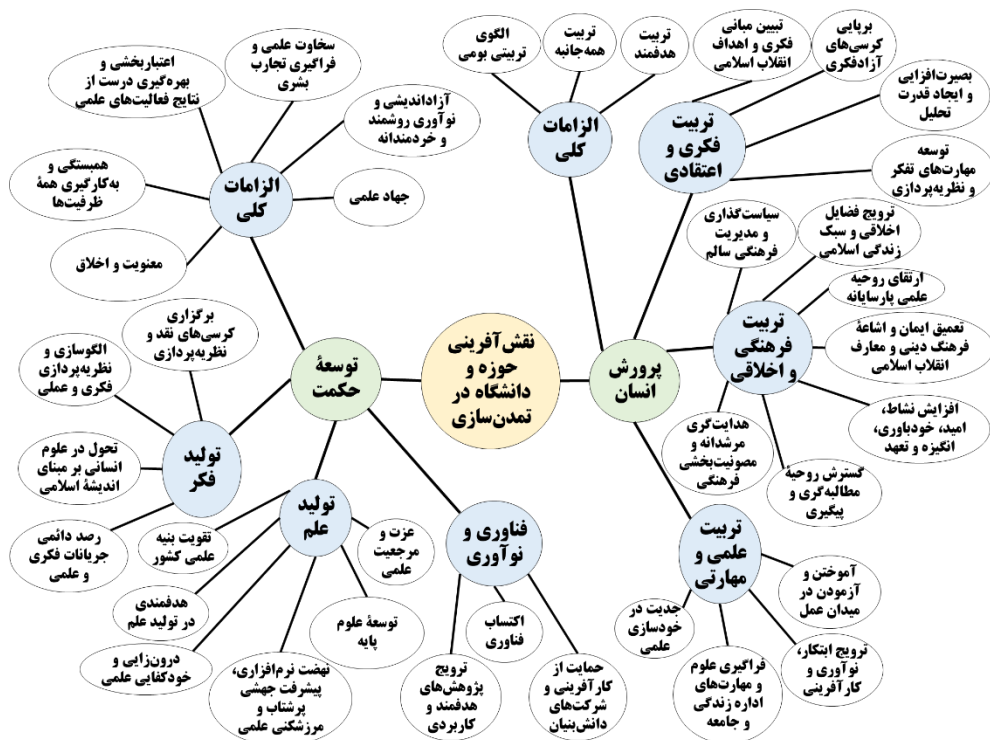
باتوجه به کثرت اطلاعات جمع‌آوری شده و حجم فراوان عملیات شناسه‌گذاری، تحلیل، ترکیب مفاهیم و مضامین، ابتدا نمونه کوچکی از تجزیه و تحلیل داده‌ها در جدول (۱) ارائه شده و سپس نتایج آن تشریح خواهد شد.

جدول ۱. نمونه نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

شماره	تاریخ	متن منتخب	مضمون اولیه	مضمون سازمان‌دهنده (شاخص)	مضمون فراگیر (مؤلفه)	بعد
۹۳۱	۱۳۹۹/۰۷/۱۴	خط کلی نظام اسلامی چیست؟ اگر بخواهیم پاسخ این سؤال را در یک جمله ادا کنیم، خواهیم گفت خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است. ... برای ایجاد یک تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان.	تولید فکر و پرورش انسان لازمه تمدن‌سازی	ملزومات تمدن‌سازی	تمدن‌سازی	کلیت
۵۱۱	۱۳۹۳/۱۱/۰۳	دانش‌اندوزی را با اندیشه‌ورزی و این هر دو را با پرهیزگاری و پاکدامنی بیامیزید؛ در این صورت هیچ اندوخته‌ای برای کشور با ثروت وجود جوانانی چون شما برابری نخواهد کرد.	اندیشه‌ورزی، دانش‌اندوزی و پرهیزگاری و پاکدامنی	تربیت همه‌جانبه	الزامات کلی	پرورش انسان
۷۱۷	۱۳۸۰/۰۹/۲۰	هدف این است که کشور به دست انسان‌های صالح از لحاظ علمی و فکری، در جهت هدف‌های خودش حرکت کند؛ و این نخواهد شد، مگر آن‌وقتی که این انسان‌ها خودشان، آن هدف‌ها را شناخته و قبول داشته باشند.	شناساندن اهداف انقلاب	تبیین مبانی فکری و اهداف انقلاب اسلامی	تربیت فکری و اعتقادی	پرورش انسان
۱۷۳۳	۱۳۵۹/۰۹/۲۷	مهم این است که دانشگاه یک کسی که از آن بیرون بیاید بفهمد که من با بودجه این مملکت تحصیل کرده‌ام، متخصص شده‌ام، به مقامات عالیه علم رسیده‌ام، و باید برای این مملکت خدمت بکنم. و برای استقلال این کشور باید خدمت گزار باشم (جلد ۱۳ صحیفه امام ^(۵) - صفحه ۴۱۲).	متعهد به خدمت به مملکت	افزایش نشاط، امید، خودباوری، انگیزه و تعهد	تربیت فرهنگی و اخلاقی	پرورش انسان
۴۵۷	۱۳۷۸/۰۹/۲۹	قشر دانشجو باید از فرصت موجود کشور استفاده کند و معلومات خود را زیاد نماید. بی‌سواد، کم‌عمق و بی‌اعتنایی به دانش و برنامه‌های درسی پذیرفته نیست.	توجه به دانش و برنامه‌های درسی	جدیت در خودسازی علمی	تربیت علمی و مهارتی	پرورش انسان
۱۶۸۲	۱۳۵۸/۰۹/۱۳	فرق بین دانشگاه‌های غربی و دانشگاه‌های اسلامی باید در آن طرحی باشد که اسلام برای دانشگاه‌ها طرح می‌کند. دانشگاه‌های غربی - به هر مرتبه‌ای هم که برسند - طبیعت را ادراک می‌کنند، طبیعت را مهار نمی‌کنند برای معنویت. ... تمام علوم می‌باشند که شما اسم می‌برید و از دانشگاه‌های خارجی تعریف می‌کنید - و تعریف هم دارد - این‌ها یک ورق از عالم است؛ آن‌هم یک ورق نازل‌تر از همه اوراق (جلد ۸ صحیفه امام ^(۵) - صفحه ۴۳۳).	مهار طبیعت برای معنویت	معنویت و اخلاق	الزامات کلی	حکمت

ردیف	تاریخ	متن منتخب	مضمون اولیه	مضمون سازمان دهنده (شاخص)	مضمون فراگیر (مؤلفه)	بعد
۱۵۷	۱۳۸۳/۴/۱۷	مرزهای دانش را بشکنید. اینکه من می گویم نهضت نرم افزاری، انتظار من از شما جوان ها و اساتید این است؛ تولید علم کنید.	شکستن مرزهای دانش	نهضت نرم افزاری، پیشرفت جهشی پرشتاب و مرز شکنی علمی	تولید علم	حکمت
۱۵۸	۱۳۸۰/۹/۱۳	حوزه های علمیه اساسی ترین کاری که امروز بر عهده دارند به صورت جمعی و هم چنین فضایی توانای بر این کار به صورت فردی وظیفه شان تولید فکر است؛ تولید فکر اسلامی.	تولید، تبیین و تحکیم فکر اسلامی و ایستادن در برابر شبهات	نظریه پردازی و الگوسازی فکری و عملی	تولید فکر	حکمت
۱۵۹	۱۳۸۵/۵/۱۸	آنچه که پیشرفت است، این است که ما از هر که و هر جور، همه دانش های مورد نیازمان را فرا بگیریم؛ این دانش را به مرحله عمل و کاربرد برسانیم، تحقیقات گوناگون انجام بدهیم، برای اینکه دامنه علم را توسعه بدهیم، تحقیقات بنیادی انجام بدهیم، تحقیقات کاربردی و تجربی انجام دهیم، تا فناوری را به وجود آوریم یا فناوری جدیدی را به وجود بیاوریم یا فناوری را تکمیل کنیم؛ تصحیح کنیم و انجام بدهیم.	فراگیری دانش و توسعه دادن و کاربردی کردن آن	پژوهش های هدفمند و کاربردی	فناوری و نوآوری	حکمت

چگونگی «نقش آفرینی حوزه و دانشگاه در تمدن سازی» را می توان در یک شبکه مضامین (شکل ۱) با ۲ بعد و ۸ مؤلفه شامل مؤلفه ها و شاخص های جداول (۲ و ۳) ارائه نمود.



شکل ۱. شبکه مضامین و الگوی نقش آفرینی حوزه و دانشگاه در تمدن سازی

تمدن‌سازی نوین اسلامی به ابعاد و مؤلفه‌هایی نیاز دارد که در مجموعه بیانات امام خامنه‌ای به آن‌ها اشاره شده است و متولی بخش‌های مهم و کلیدی آن‌ها، حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها هستند:

«برای ایجاد یک تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان».^۱

«اگر این کشور توانست ... علم و فناوری و صنعت پیدا کند ... این اولین کشور و دولتی خواهد بود که توانسته است پیشرفت مادی را در زیر روشنی چراغ برافروخته فضیلت و معنویت به دست آورد؛ این می‌شود یک تمدن جدید».^۲

همان‌گونه که در شکل (۱) نیز مشخص است، تمدن‌سازی نوین اسلامی به ابعاد و مؤلفه‌هایی نیاز دارد که در مجموعه بیانات امام خامنه‌ای به آن‌ها اشاره شده و می‌توان آن‌ها در دو مؤلفه کلی شامل «پرورش انسان» و «توسعه حکمت» گنجانده.

۱- پرورش انسان

بی‌شک، مهم‌ترین نقش حوزه و دانشگاه در تمدن‌سازی تربیت و پرورش انسان‌های متعهد و متخصص است و این موضوع به دفعات در کلام امامین انقلاب اسلامی تکرار شده است. دانشگاه‌ها در هر کشوری ... نقششان این است که انسان درست کنند. مأمور ساختن انسان هست دانشگاه. ... همه انبیا برای آدم‌سازی آمده‌اند. ... قطب دانشگاه مأمور آدم‌سازی هست و قطب روحانیت مأمور آدم‌سازی، کارشان شریف‌ترین کارهاست برای اینکه همان کار انبیاست؛ و هم مسئولیتشان بالاتر از همه مسئولیت‌هاست، برای اینکه در اینجا همه چیز درست می‌شود. (صحیفه امام خمینی^(ع)، جلد ۸، صفحه ۶۱)

این بعد، شامل سه مؤلفه تربیتی و یک مؤلفه تحت عنوان «الزامات کلی» به شرح جدول (۲) است. اعداد داخل پرانتز میزان تکرار مضامین را در بیانات امامین انقلاب اسلامی نشان می‌دهد.

۱. در دیدار با حوزویان به تاریخ ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

۲. در دیدار با حوزویان به تاریخ ۱۳۸۳/۰۳/۲۱

جدول ۲. شاخص‌ها و مؤلفه‌های بُعد «پرورش انسان» از نقش‌آفرینی حوزه و دانشگاه در تمدن‌سازی

پرورش انسان (۱۰۱۶)	
الزامات کلی (۱۳۴)	تربیت فکری و اعتقادی (۱۷۰)
۱) تربیت هدفمند (۶۹) ۲) تربیت همه‌جانبه (۶۴) ۳) الگوی تربیتی بومی (۱)	۱) بصیرت‌افزایی و ایجاد قدرت تحلیل (۱۳۴) ۲) تبیین مبانی فکری و اهداف انقلاب اسلامی (۹) ۳) توسعه مهارت‌های تفکر و نظریه‌پردازی (۹) ۴) برپایی کرسی‌های آزادفکری (۱۱)
تربیت علمی و مهارتی (۱۳۱)	تربیت فرهنگی و اخلاقی (۵۸۱)
۱) جدیت در خودسازی علمی (۷۸) ۲) فراگیری علوم و مهارت‌های اداره زندگی و جامعه (۲۴) ۳) ترویج ابتکار، نوآوری و کارآفرینی (۲۱) ۴) آموختن و آزمودن در میدان عمل (۸) ۵) گسترش روحیه مطالبه‌گری و پیگیری (۶)	۱) تعمیق ایمان و اشاعه شعائر دینی و معارف انقلاب اسلامی (۲۴۱) ۲) افزایش نشاط، امید، خودباوری، انگیزه و تعهد (۱۲۱) ۳) ترویج فضایل اخلاقی و سبک زندگی اسلامی (۱۰۳) ۴) هدایت‌گری مرشدانه و مصونیت‌بخشی فرهنگی (۴۸) ۵) ارتقای روحیه علمی پارسایانه (۳۴) ۶) سیاست‌گذاری و مدیریت فرهنگی سالم (۲۸)

۱-۱- الزامات کلی

تربیت و آموزش در کلام امامین انقلاب اسلامی الزامات و شرایطی دارد که می‌توان آن‌ها را در سه شاخص کلی به این شرح دسته‌بندی نمود:

۱-۱-۱- تربیت هدفمند: حوزه و دانشگاه باید انسان‌هایی شایسته و کارآمد را برای رفع نیازهای مختلف و متنوع جامعه و در جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی تربیت کنند.

خصوصیت جمهوری اسلامی این است که دستگاه انسان‌سازی‌اش بایستی صحیح حرکت بکند و انسان باب هدف‌های جمهوری اسلامی بسازد (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۰/۰۹/۲۰).

دانشگاهی‌ها و خود علمای حوزه‌ها برنامه‌ها را تنظیم کنند، که یک آموزش موافق با احتیاج مملکت، نه یک چیزهایی را بخوانند که اصلاً به درد ما نمی‌خورد (۱۳۵۹/۰۳/۰۳)، صحیفه امام خمینی^(ره) جلد ۱۲، صفحه ۳۲۹.

در آینده شماها می‌توانید سهم بسزایی در به‌وجودآوردن و اهدا کردن کادرهای شایسته و صالح به نظام عمومی کشور و نظام مدیریت کشور داشته باشید (امام خامنه‌ای: ۱۳۹۵/۰۳/۰۳).

۱-۱-۲- تربیت همه‌جانبه: حوزه و دانشگاه مسئولیت پرورش همه‌جانبه و جامع‌الاطراف را برعهده دارند. انسان تک‌بعدی و تک‌ساحتی برای تمدن‌سازی مناسب نیست. بر همین اساس این نهادها متکفل تربیت نسلی هستند که علاوه بر تخصص، ایمان و روشن‌بینی نیز داشته باشد.

دانشگاه اسلامی، علم و ایمان، علم و معنویت، علم و اخلاق را باهم همراه می‌کند. علم را می‌آموزد و جهت‌گیری علم را از اخلاق و ایمان می‌گیرد (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۴/۱۰/۲۹).

در دانشگاه اسلامی علم، با دین، و تلاشگری با اخلاق، و تضارب افکار با سعه صدر، و تنوع رشته‌ها با وحدت هدف، و کار سیاسی با سلامت نفس، تعمق و ژرف‌نگری با سرعت عمل، و خلاصه دنیا با آخرت همراه است (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۵/۰۷/۰۳).

۱-۱-۳- الگوی غیر غربی: مسئله مهم دیگر الگو و روش‌های تعلیم و تربیت است که بدون توجه به تاریخ غنی و زمینه‌های فرهنگی بومی شکل گرفته و در حال توسعه است؛ لذا نقش‌آفرینی مؤثر حوزه و دانشگاه نیازمند طراحی و بهره‌گیری از الگوی بومی متناسب با شرایط و نیازهای جامعه برای تربیت و آموزش است.

«الآن مدرسه‌هایی که دانشگاه‌ها و دانش‌سراها، این‌ها که ما داریم، فرم‌هایش همه فرم غرب است. ... همه چیز را از غرب گرفته‌اند. فرهنگ به این غنی‌ای کنار زده شده است و چسبیده‌اند به فرهنگ غرب. آن‌هم نه فرهنگ اصیل غرب، فرهنگ استعماری غرب» (۱۳۵۸/۱۰/۱۲)، صحیفه امام خمینی^(ره)، جلد ۱۲، صفحه ۴.

۱-۲- تربیت فکری و اعتقادی

حوزه و دانشگاه بایستی ابزار و وسایل لازم را برای هدایت فکری نسل جوان طلبه و دانشجو، به قدر وافر و کافی ایجاد کند تا از نظر تفکر انقلابی، عمق و پختگی لازم را پیدا نمایند تا مثلاً اگر کسی نسبت به انقلاب اسلامی، هیچ معرفت یا اعتقادی نداشت و وارد حوزه یا دانشگاه شد، پس از فارغ التحصیلی، به فردی انقلابی و مؤمن تبدیل شده و به نظام جمهوری اسلامی و مسئولانش کمک کند (امام خامنه‌ای: ۱۳۶۹/۰۶/۱۱، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵ و ۱۳۸۶/۰۹/۰۸). بدین منظور لازم است تا حوزه و دانشگاه در برنامه‌های خود اقدامات زیر را پیش‌بینی و اجرا نمایند:

۱-۲-۱- بصیرت‌افزایی و ایجاد قدرت تحلیل: یکی از اهداف مهم تربیت و آموزش، افزایش روشن‌بینی، روشن‌فکری و توان فهم و تشخیص صحیح مسائل جامعه و جهان است (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۷/۱۱/۱۳ و ۱۳۷۹/۰۷/۲۶)، در نتیجه حوزه و دانشگاه باید برای بصیرت‌افزایی و ارتقای آگاهی، قدرت تحلیل و بینش سیاسی، برنامه داشته باشند (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۹/۰۸/۰۴ و ۱۳۶۹/۰۶/۱۱). قدرت تحلیلی که بتواند از واقعیت‌های جامعه، یک جمع‌بندی ذهنی برای فرد به وجود آورده و آنرا بشناسد. هر ضربه‌ای که مسلمانان در طول تاریخ خورده‌اند، از ضعف قدرت تحلیل بوده است. نباید گذاشت دشمن از بی‌بصیرتی‌ها و ناآگاهی‌ها استفاده کند و واقعیتی را واژگونه در چشمان جلوه دهد (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۷/۱۱/۱۳). دشمن‌شناسی و آشنایی با تاریخ و مناسبات نظام سلطه می‌تواند به این امر کمک کند. شناخت ماهیت دشمن، طرح‌ها و برنامه‌های او برای نفوذ و ضربه زدن به انقلاب اسلامی، باعث افزایش عمق نگاه‌ها شده و توان تحلیل و تصمیم‌گیری را در مناسبات اجتماعی و سیاسی ارتقا خواهد بخشید (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۴/۰۸/۱۰، ۱۳۹۰/۰۵/۱۹ و ۱۳۹۴/۰۸/۲۰).

۱-۲-۲- تبیین مبانی فکری و اهداف انقلاب اسلامی: متأسفانه دستگاه‌های مرموز استکباری از طریق نظام تربیتی و آموزشی، مانع توجه طبقه تحصیل کرده به احکام مقدس اسلام، به‌ویژه قوانین تشکیلاتی و اجتماعی و اقتصادی آن شده‌اند و با تبلیغات گوناگون این‌طور وانمود می‌کنند که اسلام جز احکام عبادی مطلبی ندارد، در صورتی که قواعد سیاسی و اجتماعی اسلام ناب بیشتر از مطالب عبادی آن است؛ لذا نیاز است تا قوانین آسمانی اسلام که برای تمام شئون زندگی از مبدأ وحی نازل شده و عملی‌تر و سودمندتر از تمام آموزه‌های دیگر است، تبیین گردد

(۱۱/۱۰/۱۳۴۸ - صحیفه امام خمینی^(۹)، جلد ۲ - صفحه ۸۷). هم‌چنین به آشنایی با ریشه‌ها، مبانی فکری و اهداف انقلاب اسلامی نیاز است تا بتوان نقش‌ها و وظیفه‌های انقلابی را در حال حاضر و به‌ویژه در آینده درک نموده و عمل متناسب با آن‌را به نحو احسن، به انجام رساند (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۰/۰۹/۲۰ و ۱۳۶۸/۰۸/۱۰)

۳-۲-۱- توسعه مهارت‌های تفکر و نظریه‌پردازی: خروجی‌های مطلوب نهاد علم تراز اسلامی، کسانی هستند که بتوانند در دنیای علم‌آموزی، پیشرفت علم و بنای علمی کشور، تحرک ایجاد کرده و صاحب‌نظرانی اندیشمند، فکور، عالم، محقق، پژوهشگر و دلیر در میدان علم و پژوهش باشند که دنیا از نظریه‌های‌شان استفاده کند. این امر نیازمند آن است که افراد علاوه بر دانش و دانایی، روش‌ها و مهارت‌های اندیشیدن و تفکر را بیاموزند (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۴/۱۰/۲۹، ۱۳۸۵/۰۹/۰۴). اگر کسی تفکر داشت، این روحیه موجب می‌شود که بتواند مسائل مهم را کشف کند. اگر جوان عالم و دانشمند، متفکر بار آمده باشد، از آن ذخیره دانشی که در اختیار او است، ده‌ها و صدها مسئله جدید مطرح می‌کند و پاسخ می‌گیرد؛ یعنی استفاده از علم هم با تفکر ممکن است (امام خامنه‌ای: ۱۳۹۳/۰۲/۱۷).

۳-۱- تربیت فرهنگی و اخلاقی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای حوزه و دانشگاه برای پرورش انسان‌های متعالی، «تربیت فرهنگی و اخلاقی» آنان است که نتیجه آن مشخصاً در رفتار و سبک زندگی متجلی می‌شود. بیشترین تأکید از لحاظ تکرار مضامین در بیانات امامین انقلاب اسلامی نیز در همین زمینه مشاهده شد که این مضمون‌ها در هفت مؤلفه به شرح زیر قابل دسته‌بندی است:

۱-۳-۱- تعمیق ایمان و اشاعه شعائر دینی و معارف انقلاب اسلامی: تعمیق معرفت، ایمان، تعهد، تعبد دینی و نگاه توحیدی، با تبیین جهان‌بینی الهی و افزایش آگاهی و دانش دینی، ایمان و تعهد را تقویت نموده و باعث ارتقای دین‌داری می‌گردد. در اینجا توجه به باطن و عمق اعمال در کنار حفظ ظواهر اسلامی و پای‌بندی به تعبد دینی همراه با دانایی، مطلوب و موردنظر است (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۸/۱۱/۱۳ و ۱۳۸۴/۰۳/۰۵). بسیاری از خطاها، به‌علت شناخت ناقص و سطحی از اسلام به‌وجود می‌آید؛ لذا آشنانمودن افراد با معارف دینی و انقلاب اسلامی و هدایت صحیح ایشان در صراط مستقیم، اهمیت ویژه می‌یابد (صحیفه امام خمینی^(۹)، ج ۳، ص ۳۲۲)

(۱۳۵۶/۱۱/۲۴) و ج ۱۹، ص ۳۱۶ (۱۳۶۴/۰۴/۲۴). ترویج خودسازی معنوی، تأدیب، تزکیه و تهذیب نفس با ترویج و آگاهی بخشی این مسائل و هم چنین ایجاد فضا و محیط مناسب از طریق رفع موانع و مزاحمت ها، کمک قابل توجهی در این مسیر به حساب می آید. در این زمینه تذکر نکات اخلاقی در کلاس ها و برگزاری دروس عقاید و اخلاق می تواند مفید واقع شود. یکی از توصیه های همیشگی امامین انقلاب اسلامی به طلاب و دانشجویان، توجه جدی به مقوله خودسازی، تهذیب نفس و تزکیه بوده و هست (صحیفه امام^(ره))، ج ۱۳، ص ۲ (۱۳۵۹/۰۴/۱۶) و امام خامنه ای: ۱۳۷۷/۱۰/۲۴ و ۱۳۷۷/۰۲/۲۴. تعظیم شعائر و برگزاری آگاهانه و هوشمندانه مراسم دینی اعم نماز جماعت، اعتکاف، احیا، توسل، روضه خوانی، دعا و مناجات با محوریت مسجد نیز، کراراً مورد تأکید قرار داشته است (امام خامنه ای: ۱۳۶۹/۰۸/۱۳، ۱۳۷۴/۰۸/۱۷ و ۱۳۸۴/۰۳/۰۵). در این مسیر، ایجاد زمینه «آشنایی و انس با قرآن» و در مرحله بعد «نهج البلاغه» و «صحیفه سجادیه»، تأثیر بسزایی در تربیت فرهنگی و اخلاقی خواهد داشت (امام خامنه ای: ۱۳۸۶/۰۹/۱۷ و ۱۳۷۸/۰۹/۰۱).

۲-۳-۱- افزایش نشاط، امید، خودباوری، انگیزه و تعهد: هویت بخشی، ایجاد اعتماد به نفس و ارتقای انگیزه ها و باورهای ملی و دینی همراه با حس افتخار و سربلندی، یکی دیگر از جنبه های مهم و اصلی در تربیت فرهنگی و اخلاقی به شمار می رود (صحیفه امام خمینی^(ره))، ج ۲۱، ص ۷۴ (۱۳۶۷/۰۴/۲۹) و امام خامنه ای: ۱۳۸۵/۰۷/۱۳. این موضوع ویژگی هایی دارد که اولین آن، تقویت خودباوری و شجاعت و ریشه کن نمودن فرهنگ غلط «ما نمی توانیم» است (امام خامنه ای: ۱۳۹۳/۰۳/۱۹، ۱۳۸۰/۰۸/۲۰ و ۱۳۷۸/۰۳/۱۲). یادآوری سوابق درخشان تاریخی و زنده کردن و تقویت حس افتخار و اعتزاز ملی و دینی، حساسیت و تعهد به اسلام و کشور و بیزاری از وابستگی به بیگانگان، می تواند در هویت بخشی و ایجاد انگیزه بسیار مؤثر باشد (امام خامنه ای: ۱۳۷۰/۰۹/۲۰، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲ و ۱۳۸۶/۱۰/۱۳). افزایش نشاط و ایجاد امید به آینده کشور و انقلاب اسلامی نیز تأثیر بسزایی در تقویت هویت و ایجاد انگیزه خواهد داشت (امام خامنه ای: ۱۳۹۱/۰۷/۲۰).

۳-۳-۱- ترویج فضایل اخلاقی و سبک زندگی اسلامی: حوزه و دانشگاه موظف اند در ترویج فضایل اخلاقی مانند ادب، انضباط، وقت شناسی، امانت داری، صبر، قناعت، چشم پوشی،

انصاف و تقویت وجدان کاری، روح تلاش، سخت‌کوشی، مسئولیت‌پذیری، فرهنگ کار جمعی و تعاون در امور خیر و در مجموع سبک زندگی اسلامی به‌عنوان یکی از ابعاد مهم پیشرفت و نماد و جلوه تمدن نوین اسلامی، فعالانه مشارکت و نقش‌آفرینی کنند (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۸/۱۱/۱۳، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳، ۱۳۹۱/۰۷/۲۰ و ۱۳۹۱/۰۵/۲۲).

۴-۳-۱- هدایت‌گری مرشدانه و مصونیت‌بخشی فرهنگی: عمده هدف این بخش، «ایجاد مصونیت در برابر فرهنگ غربی و اندیشه‌های انحرافی» است تا در مقابل تهاجم و شیخون فرهنگی دشمن، بتوان از فرهنگ و ارزش‌های انقلاب اسلامی محافظت نمود. بدیهی است این کار از طریق ابزار فرهنگی نظیر روشنگری و پاسخ به شبهات با تکیه بر تفکر ناب اسلامی قابل انجام است (امام خامنه‌ای: ۱۳۶۸/۰۸/۱۰، ۱۳۷۷/۰۹/۰۹، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴ و ۱۳۷۶/۰۶/۲۵). برای این منظور، حضور و هدایت‌گری مرشدانه علما و اساتید برجسته معارف و اخلاق ضروری است (امام خامنه‌ای: ۱۳۶۵/۰۹/۱۶ و ۱۳۶۸/۰۷/۱۵).

۵-۳-۱- ارتقای روحیه علمی پارسایانه: هدف از درس‌خواندن، نباید معطوف به گرفتن مدرک تحصیلی، کسب درآمد، موقعیت اجتماعی یا سیاسی باشد. در حوزه و دانشگاه، این خود علم است که ارزش دارد؛ البته علمی که در جهت اهداف عالی و سعادت حقیقی بشریت باشد؛ لذا تزریق روحیه پارسایی و وجدان علمی و ایجاد علاقه به تحقیق و علم‌آموزی از کارکردهای اصلی موردانتظار از حوزه و دانشگاه است (صحیفه امام خمینی^(ره)، ج ۸، ص ۲۴۸ (۱۳۵۹/۰۲/۰۱) و امام خامنه‌ای: ۱۳۷۲/۱۰/۰۱).

۶-۳-۱- سیاست‌گذاری و مدیریت فرهنگی سالم: حوزه وسیع تربیت فرهنگی و اخلاقی، حساسیت بالایی داشته و نیاز به سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح و دقیق و پیش‌بینی برنامه‌های سالم با توجه به آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی دارد. فضای فرهنگی، تحمیل‌کننده خود بر همه رفتارها و روش‌هاست، چه رفتارها و روش‌های فردی، چه جمعی، چه حکومتی و چه کلان‌جامعه؛ لذا این را نمی‌شود دست‌کم گرفت و باید آن را مهندسی کرد؛ یعنی باید اصلاح عیوب فرهنگ موجود، انسان‌هایی رشید، آزاد، موحد، عدالت‌طلب، پرکار، پرنشاط، پرآمید، پیشرو، دارای اعتمادبه‌نفس، دارای توکل به خدا، دارای روح ایشار و مجاهدت و در همه ابعاد به‌طور کامل، تربیت نمود. باید مشکلات و ریشه‌های آن را شناخت و برای رفع آن ریشه‌ها،

برنامه‌ریزی و زمان‌بندی کرده و پیش رفت. باید جریانات صحیح فرهنگی را کمک و هدایت کرد. آنجایی را نیز که دشمن برنامه‌ریزی کرده است، شناخت و علاج فرهنگی - نه علاج سیاسی و پلیسی - نمود. بدون برنامه‌ریزی نباید انتظار داشت که فرهنگ کشور - چه فرهنگ عمومی، چه فرهنگ نخبگانی، دانشگاه‌ها و غیره و غیره - به‌خودی‌خود خوب شوند و پیش بروند (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۸/۱۱/۱۳، ۱۳۸۶/۰۹/۱۷، ۱۳۷۵/۰۹/۲۰، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹).

۷-۳-۱- گسترش روحیه مطالبه‌گری و پیگیری: گسترش روحیه کنجکاوی، مطالبه‌گری و پیگیری همراه با عقلانیت و انصاف در بین جوانان نیز از دیگر ضرورت‌هایی است که برای تحقق تمدن نوین اسلامی به آن نیاز است. جوان طلبه و دانشجو باید همواره انگیزه طرح مسئله، سؤال یا درخواست داشته باشد. اگر این شد، ممکن است به همه آن مطالبات نتوان پاسخ داد - کما اینکه در کوتاه‌مدت همین جور هم هست - لیکن یقیناً آینده خوب و افق روشنی با چنین مطالباتی جلوی چشم است. جوان باید مطالبه کند، باید احساس کند که این مطالبه سودمند است، ثمربخش است و تشویق بشود بر این مطالبه و باید احساس کند که فقط مسئولیتش طرح سؤال و پرتاب کردن یک شعار نیست که بگوید خب، ما کار خودمان را کردیم؛ نه، پیگیری کردن، مطالعه کردن، درباره مسئله اندیشیدن، آن‌را پخته کردن، راه‌کار اجرایی را برای آن جست‌وجو کردن، برای طرحش با مراکز دست‌اندرکار و مجری تلاش کردن و فعالیت کردن و بالأخره خود وارد میدان کارشدن، این‌ها جزء وظایف و تکالیف اوست که این را هم در کنار آن مطالبه و طلب‌کاری و مدعاداشتن، بایستی درک کند (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۶/۰۷/۱۷ و ۱۳۹۳/۰۵/۰۱).

۴-۱- تربیت علمی و مهارتی

با وجود تأکید ویژه بر جنبه‌های فکری، اعتقادی، فرهنگی و اخلاقی تربیت؛ اما حوزه‌های علمی و دانشگاه هم‌چنان که از نام‌شان پیداست، محل علم و دانش است و تربیت علمی و مهارتی مهم‌ترین وجه‌میزه آن‌ها نسبت به سایر مراکز و دستگاه‌ها است. این، علم و دانش است که خواهد توانست دست‌برتر را در مناسبات جهانی برای تحقق اهداف و آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی ایجاد نماید (امام خامنه‌ای: ۱۳۹۶/۰۳/۱۷ و ۱۳۹۱/۰۹/۲۱). بیانات امامین انقلاب در این زمینه را می‌توان در چهار موضوع به شرح زیر دسته‌بندی نمود:

۱-۴-۱- جدیت در خودسازی علمی: اهمیت تحصیل و فراگیری دانش و خودسازی

علمی باید به گونه‌ای باشد که طلاب، دانشجویان و اساتید، آن‌را وظیفه اصلی و فریضه‌ای واجب دانسته و با تحمل سختی‌ها و محرومیت‌ها، بخش عمده‌ای از وقت و تلاش خود را در این زمینه صرف کنند. این موضوع به حدّی جدی است که امام خمینی^(ع)، مسامحه در آن‌را خیانت به اسلام و کشور برمی‌شمارند (صحیفه امام خمینی^(ع)، ج ۸، ص ۲۴۸، ۱۳۵۹/۰۲/۰۱).

امام خامنه‌ای نیز فلسفه حضور و کار اول دانشجوی را درس خواندن می‌داند و معتقدند اگر کسی درس نخواند، بلاشک ذمه‌اش مشغول مردم است و باید در روز قیامت پیش خدای متعال جواب دهد (۱۳۷۷/۱۲/۰۴).

۱-۴-۲- فراگیری علوم و مهارت‌های اداره زندگی و جامعه: یکی از اهداف مهم

دیگر، تربیت نیروی کار مناسب و کارآمد برای جامعه است؛ لذا لازم است علوم، فنون و مهارت‌های مختلف اداره جامعه و زندگی اجتماعی و شخصی فراگرفته شوند. برای رسیدن به آینده‌های مطلوب، احتیاج به نسل جوان باهمت‌پرانگیزه مؤمن تلاشگرِ کاردانِ راه‌بلد است (امام خامنه‌ای: ۱۳۶۵/۰۹/۱۶، ۱۳۸۵/۰۷/۲۵).

۱-۴-۳- ترویج ابتکار، نوآوری و کارآفرینی: ترویج ابتکار و زنده نگه داشتن روح

خلافت، نوآوری علمی و کارآفرینی، مضمون دیگری است که بایستی در تربیت علمی و مهارتی مدنظر قرار گرفته و به آن توجه ویژه شود. دانشجوی را باید به جای فراگیری تقلیدی و پذیرفتن صرف، به وادی ابتکار سوق داد (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۵/۰۹/۰۴، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹، ۱۳۹۰/۰۶/۰۲، ۱۳۹۳/۰۲/۱۷).

۱-۴-۴- آموختن و آزمودن در میدان عمل: حوزه و دانشگاه باید افراد را برای

نیازهای جامعه تربیت کنند؛ لذا لازم است برای حضور و تعامل آن‌ها در دستگاه‌های گوناگون اجرایی، فکر و برنامه‌ریزی کرد. فرق است بین آن کسی که در کتاب چیزی را می‌خواند و آنکه خواننده‌ها را در میدان عمل می‌آزماید یا اساساً در میدان عمل می‌آموزد. میدان عمل، موقعیتی فوق‌العاده است. در این زمینه از روش‌هایی مثل کارگاه‌های آموزشی، اردوهای علمی، ارتباط دانشگاه و صنعت می‌توان استفاده نمود (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۲/۰۷/۲۸، ۱۳۷۰/۰۶/۳۱، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵).

۲- توسعه حکمت

دومین نقش حوزه و دانشگاه در تمدن‌سازی، توسعه حکمت شامل منظومه فکر، علم، فناوری و نوآوری در سایه سار ایمان به غیب و معنویت است (نجاران طوسی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۹۰). «حکمت، بالاتر از این علم معمولی ماست. حکمت، آن دانسته‌های عظیمی است که چرخ زندگی انسان را می‌چرخاند. ... در حکمت، اخلاق هست، تیزبینی، عمق‌بینی و ژرف‌بینی هست؛ معنویت و ارتباط با خدا و فهم صحیح مسائل هست؛ آشناسدن با حقیقت این عالم وجود و طبیعت این عالم، از انسان و غیر انسان، با یک دید انسانی و والا - نه صرفاً دید آزمایشگاهی هست که البته آن هم لازم است؛ اما این بالاتر از آن است این‌ها همه در معنای حکمت است (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۷/۰۲/۲۴).

این بعد، شامل سه مؤلفه «تولید فکر»، «تولید علم» و «فناوری و نوآوری» و یک مؤلفه تحت عنوان «الزامات کلی» به شرح جدول (۳) است. شایان ذکر است اعداد داخل پرانتز میزان تکرار مضامین را در بیانات امامین انقلاب اسلامی نشان می‌دهد.

جدول ۳. مؤلفه‌ها و شاخص‌های «توسعه حکمت» از نقش‌آفرینی حوزه و دانشگاه در تمدن‌سازی

توسعه حکمت (۲۲۰)	
تولید علم (۲۳۶)	الزامات کلی (۲۷۷)
(۱) نهضت نرم‌افزاری، پیشرفت جهشی پرشتاب و مرزشکنی علمی (۱۳۰) (۲) عزت و مرجعیت علمی (۴۶) (۳) درون‌زایی و خودکفایی علمی (۲۲) (۴) هدف‌مندی در تولید علم (۲۲) (۵) توسعه علوم پایه (۱۱) (۶) تقویت بنیه علمی کشور (۵)	(۱) جهاد علمی (۱۰۱) (۲) آزاداندیشی و نوآوری روشمند و خردمندانه (۸۵) (۳) سخاوت علمی و فراگیری تجارب بشری (۳۸) (۴) معنویت و اخلاق (۳۴) (۵) هم‌پستگی و به‌کارگیری همه ظرفیت‌ها (۱۱) (۶) اعتباربخشی و بهره‌گیری درست از نتایج فعالیت‌های علمی (۸)

فناوری و نوآوری (۸۹)	تولید فکر (۱۱۸)
(۱) پژوهش‌های هدفمند و کاربردی (۴۱) (۲) حمایت از کارآفرینی و شرکت‌های دانش‌بنیان (۴۱) (۳) اکتساب فناوری (۷)	(۱) نظریه‌پردازی و الگوسازی فکری و عملی (۵۰) (۲) تحول در علوم انسانی بر مبنای اندیشه اسلامی (۴۹) (۳) برگزاری کرسی‌های نقد و نظریه‌پردازی (۱۳) (۴) رصد دائمی جریان‌ات فکری و علمی (۶)

۱-۲- الزامات کلی

تولید فکر، علم، فناوری و نوآوری در کلام امامین انقلاب اسلامی الزامات و شرایطی دارد که می‌توان آن‌ها را در شش شاخص کلی به این شرح دسته‌بندی نمود:

۱-۱-۲- جهاد علمی: جهاد علمی، مقوله جداگانه‌ای از «تولید فکر» و «تولید علم» و «فناوری و نوآوری»، محسوب نمی‌شود، لکن چون این عرصه به کارزار مقابله و منازعه با دشمن تبدیل شده است، برای موفقیت در آن نیاز به کار و مدیریت جهادی وجود دارد تا این امر به عنوان یک فریضه و مضمونی تأثیرگذار مورد توجه ویژه قرار گیرد (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۸/۰۳/۱۲ و ۱۳۷۸/۰۷/۰۶). جهاد علمی به معنای داشتن اراده و عزم راسخ، پشتکار، پیگیری و تلاش جدی، بی‌وقفه، دلسوزانه، منظم، بابرنامه و هدف‌دار در برابر دشمن قدرتمند و قوی‌پنجه برای مقابله و توقف پیشرفت علمی و فناوری، است (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۷/۰۷/۰۷، ۱۳۸۵/۰۶/۲۵، ۱۳۸۰/۰۸/۰۹، ۱۳۸۹/۰۷/۱۴، ۱۳۸۶/۰۴/۲۵ و ۱۳۷۸/۰۵/۱۴). در این مسیر، «شناخت، مبارزه و مواجهه با چالش‌ها، موانع داخلی و دشمنان خارجی» ضرورت دارد. خست صاحبان علم و فناوری دنیا، تلاش برای توقف یا آلوده و بدنام کردن حرکت علمی، از جمله این چالش‌ها و موانع است (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۹/۰۶/۱۴ و ۱۳۹۵/۰۷/۲۷). یکی از ابزارها و حیل‌های دشمن در عرصه علم، ایجاد رعب از پیشرفت‌های علمی است تا خطرپذیری، جرئت نوآوری و نزدیک شدن به مرزهای دانش را از ملت‌ها بگیرد. میدان جهاد علمی برای شکستن سلطه تفکر غربی و پیشروی و مرزشکنی علمی است (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۳/۰۹/۲۶، ۱۳۹۴/۰۷/۲۲، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹ و ۱۳۸۵/۰۶/۲۵). موفقیت

در این کارزار نیازمند داشتن «روحیه بسیجی، جهادی و انقلابی» است. مردمی بودن، تلاش مخلصانه و جرئت و شجاعت، مهم‌ترین ویژگی‌های بارز این روحیه است (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۹/۱۱/۲۴، ۱۳۹۴/۰۷/۲۲ و ۱۳۹۵/۰۸/۱۲). دیگر خصوصیتی که برای «جهاد علمی» ضروری است، «عشق به کار علمی، پارسایی و ایثار» است. کسی که در این وادی قدم می‌گذارد، باید از بسیاری تمتعات مادی چشم‌پوشد و با از خود گذشتگی، بسیاری از فرصت‌های شخصی و مناصب اجتماعی را فدای اهداف مقدس خود کند. تاریخ علم نشانگر این واقعیت است که مهم‌ترین پیشرفت‌های علمی بشر مرهون چنین نگاهی است (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۸/۱۲/۲۳، ۱۳۸۴/۰۲/۱۴، ۱۳۶۹/۰۹/۱۹ و ۱۳۸۹/۰۹/۱۰). درنهایت، کار علمی و تحقیقی تنها در سایه ایمان، تقوا و توکل به خدا و یاری خواستن از پروردگار، برکت پیدا کرده و به موفقیت ختم خواهد شد (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۳/۰۴/۰۱، ۱۳۸۳/۱۲/۲۴، ۱۳۸۴/۰۱/۳۰ و ۱۳۸۴/۰۱/۲۵).

۲-۱-۲- آزاداندیشی و نوآوری روشمند و خردمندانه: یکی از عیوبی که در فضای علمی مشاهده می‌شود، وابستگی ذهنی به متون علمی غربی و تعلیم و تعلّم براساس آن‌ها است. البته باید متون علمی را خواند و دانش را از هرکسی فراگرفت؛ اما علم باید در روند تعالی خود، با روح‌های قوی و استوار و کارآمدی که جرئت پیشبرد علم را داشته باشد، همراه شود تا بتواند پیش برود. انقلاب‌های علمی در دنیا این گونه به وجود آمده است. برای پیشرفت، باید جرئت نوآوری وجود داشته باشد تا استاد و دانشجو از قید تفکر ترجمه‌ای، تبعّد علمی و زنجیره جزمی‌گری تعریف‌های علمی القاشده و دائمی‌دانستن آن‌ها خلاص شوند (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۹/۱۲/۰۹). خلاقیت، نوآوری و نظریه‌پردازی در حوزه و دانشگاه باید به صورت یک ارزش ویژه مطرح شود و سخنان نوآوران و نظریه‌پردازان شنیده شده و از آنان تقدیر به عمل آید. بدین ترتیب ایده‌ها در چارچوب منطق و اخلاق و در جهت رشد اسلامی با یکدیگر رقابت می‌کنند (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۱/۱۱/۱۶). البته ابتکار، نواندیشی و نوآوری نیز باید در یک چارچوب منطقی، منضبط و خردمندانه صورت گیرد تا دچار بی‌نظمی و هرج و مرج فکری نشده و به اصطلاح به آنارشیسم و مهمل‌گویی علمی منتهی نگردد (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۹/۱۲/۰۹ و ۱۳۹۵/۰۳/۰۶).

۲-۱-۳- سخاوت علمی و فراگیری تجارب بشری: علم و فناوری امروز جهان، میراث بشریت است و تعلّق به هیچ گروه، نژاد و ملیتی ندارد و نباید در انحصار بخش محدودی از جهان قرار

گرفته و ابزار نظام سلطه شود؛ لذا یادگیری از دیگران نه تنها لازم، بلکه واجب و ممدوح است. فراگیری و استفاده از علوم و تجارب متراکم بشری به شرط آنکه اولاً از تأثیرات منفی فرهنگی که ممکن است ناخواسته به همراه علم فراگرفته شود، مراقبت گردد و ثانیاً این یادگیری، مقدمه‌ای برای سبقت و پیش‌افتادن از صاحبان فعلی آن شود، باید مورد توجه قرار داشته باشد (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۹/۰۳/۱۱، ۱۳۸۴/۰۲/۱۹، ۱۳۸۷/۰۲/۱۲ و ۱۳۸۱/۰۷/۰۳). در دوران اسلامی که مسلمان‌ها پرچم علم را در دنیا در دست داشتند، هم‌چنان که تحصیل علم را لازم و واجب می‌دانستند، تعلیم علم را هم لازم می‌دانستند؛ لذا در دانشگاه‌های اسلامی، از همه کشورها، دانشجویانی حضور داشتند که می‌آمدند و به‌طور رایگان از مسلمین علم می‌آموختند. آن دانشگاه‌ها، علم را منتشر می‌کردند و کتاب‌های علمی را در اختیار دیگران می‌گذاشتند. در اسلام عالمی که علم خود را کتمان می‌کند، لعنت شده است! این فقط مخصوص علم دین نیست که البته حساب جداگانه و اهمیت ویژه‌ای دارد. پزشکی که علم خود را کتمان کند و به شاگردانش تعلیم ندهد؛ مهندسی که علم خود را کتمان کند؛ کارگر خبره‌ای که تجربه و علم خود را کتمان کند و در انحصار خویش قرار دهد و هر کس دیگر که علم خود را کتمان کند، لعنت شده است؛ مگر وقتی که ارائه علم و افشای مطلب علمی، به‌طور عام مفسده‌ای داشته باشد. به‌هر حال باید محیط جامعه، محیط تعلیم و تعلم و یادگرفتن و یاددادن شود (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۳/۰۳/۱۸، ۱۳۷۱/۰۲/۰۹).

۴-۱-۲- معنویت و اخلاق: علم باید در خدمت انسانیت، عدالت، صلح و امنیت باشد. اسلام علم را با ایمان، با کتاب و سنت، با تهذیب اخلاقی، با اخلاق و معنویت می‌خواهد. آن وقت این ذخیره عظیم علم در خدمت دفاع از انسانیت، امنیت، عدالت، صلح و صفای انسان‌ها و جوامع بشری به کار می‌افتد؛ علمی که جامعه را به معنویت، به انسانیت، به خدا، به بهشت نزدیک کند؛ لذا جهت‌گیری‌ها در کار علمی، باید جهت‌گیری‌های درست و معنوی و الهی باشد (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۶/۰۶/۱۲، ۱۳۸۷/۰۶/۰۵). در تمدن اسلامی و در نظام مقدس جمهوری اسلامی که به‌سمت آن تمدن حرکت می‌کند، هدف این است که دانش همراه با معنویت پیش برود. اینکه دنیای غرب نسبت به پای‌بندی به معنویت، حساس است؛ به‌خاطر آن است که این روش، ضدروش آن‌هاست. آن‌ها علم را جدای از اخلاق و معنویت پیش بردند و شد آنچه شد. دانشگاه هم‌چنان که مرکز علم است، باید مرکز دین و معنویت هم باشد (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۶/۰۶/۱۹).

۵-۱-۲- همبستگی و به کارگیری همه ظرفیت‌ها: برای پیشرفت علمی، همبستگی و به کارگیری همه ظرفیت‌ها و استعدادها، نیازی ضروری است. در سیاست‌های کلی علم و فناوری (۱۳۹۳/۰۶/۲۹)، مشخصاً بر «استفاده از ظرفیت‌های علمی و فنی ایرانیان مقیم خارج و جذب متخصصان و محققان برجسته سایر کشورها به‌ویژه کشورهای اسلامی حسب نیاز» تأکید شده است. بدیهی است بدون همدلی و جلب مشارکت بخش‌ها و افراد مختلف و استعدادهای داخلی و خارجی، نمی‌توان به پیشرفت‌های بزرگ دست یافت (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۳/۰۴/۰۱، ۱۳۸۳/۱۲/۲۴، ۱۳۸۴/۰۱/۳۰ و ۱۳۸۴/۰۱/۲۵).

۶-۱-۲- اعتباربخشی و بهره‌گیری درست از نتایج فعالیت‌های علمی: نتایج فعالیت‌های علمی باید به صورت مناسب ارائه شده و مورد استفاده اثربخش قرار گیرد. مثلاً درخصوص سمینارهای علمی، صاحب‌نظران مختلف پس از مطالعه و بررسی علمی موضوع، جمع شوند و درباره موضوع واحد مورد علاقه خود بحث و تبادل نظر کنند و مجموعه نظرات پس از جمع‌بندی به شکل صحیح و کارآمد مورد بهره‌برداری قرار گیرد (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). ازطرف دیگر نحوه اعتباربخشی محصولات علمی از قبیل کتاب، مقاله و ... نیز از الزامات دیگری است که باید نسبت به آن دقت ویژه نمود و تمهید سازوکاری برای نیازمحورشدن آن‌ها مدنظر قرار داد (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۳/۱۰/۱۷ و ۱۳۸۸/۰۶/۰۸).

۲-۲- تولید فکر

تولید فکر و اندیشه‌های اصیل و جدید مبنایی برای پژوهش‌های علم و فناوری آتی قرار گرفته و اداره امور زندگی بر این اساس شکل می‌گیرد. دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه اساسی‌ترین کاری که امروز برعهده دارند، چه به صورت جمعی و چه به صورت فردی، تولید فکر اسلامی و تبیین و تحکیم این مبنای قویم اسلامی است. البته این کار با توجه به آسیب‌هایی که بیشتر متوجه نخبگان فکری است و نخبگان علمی کمتر در معرض آن آسیب‌ها قرار می‌گیرند، کار دشواری بوده و نیاز به مراقبت بیشتری در این خصوص وجود دارد (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۹/۰۶/۱۴، ۱۳۸۰/۰۶/۱۹، ۱۳۹۰/۰۶/۰۲).

۱-۲-۲- نظریه‌پردازی و الگوسازی فکری و عملی: غربی‌ها با کارهای تبلیغاتی توانسته‌اند این باور را در بسیاری از ذهن‌ها به وجود بیاورند که توسعه‌یافتگی مساوی با غربی‌شدن

است و هر کشوری بخواهد کشور توسعه‌یافته‌ای محسوب شود، بایستی غربی بشود! اما پیروی از مدل‌های توسعه و پیشرفت صرفاً غربی امر غلط و خطای خطرناکی است. حوزه و دانشگاه باید با ایجاد الگوهای علمی و عملی این باور نادرست را اصلاح نمایند. مدل‌سازی و الگوسازی، کار نخبگان حوزوی و دانشگاهی است که در تحقیقات علمی باید آن‌را دنبال کرد، بحث کنند و در نهایت مدل پیشرفت را برای ایران اسلامی، برای این جغرافیا با این تاریخ، با این ملت، با این امکانات، با این آرمان‌ها ترسیم و تعیین کنند و براساس او، حرکت عمومی کشور به‌سوی پیشرفت در بخش‌های مختلف شکل بگیرد. اندیشه‌ورزی و کار عمیق نظری در مقولات زیربنایی (تاریخی، اخلاقی و ...) و کلامی انقلاب و مسائل موردنیاز برای اداره نظام اسلامی (مانند بانکداری، نظام سلامت، جهاد اقتصادی، مسائل سیاسی و ...)، از اولویت‌های اصلی در این زمینه است (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۶/۰۲/۲۵، ۱۳۹۰/۰۵/۱۹). «تدوین تجربیات متراکم انقلاب اسلامی» و «ایجاد منظومه‌های فکری و عملی البته با هندسه بومی»، یکی دیگر از مسائل اساسی و مبنایی در حوزه اندیشه‌ورزی و تولید فکر محسوب می‌شود (امام خامنه‌ای: ۱۳۹۵/۰۳/۰۳ و ۱۳۶۴/۰۹/۱۶). اگر بتوان گوهر اسلام ناب و آن درخشندگی‌ها را، به آن شکلی که بتواند در جامعه آراسته علم، خودش را نشان بدهد ارائه داد، کار بزرگی انجام شده و راه را برای ورود نخبگان در این میدان‌ها باز خواهد کرد (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۴/۱۰/۲۹).

۲-۲-۲- تحول در علوم انسانی بر مبنای اندیشه اسلامی: علوم انسانی برای جامعه، جهت‌دهنده و فکرساز است؛ حرکت، مسیر و مقصد یک جامعه را مشخص می‌کند. علوم انسانی احتیاج به نظریه‌سازی دارد. بسیاری از حوادث دنیا حتی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و غیره، محکوم نظرات صاحب‌نظران در علوم انسانی است؛ در جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه؛ آن‌ها هستند که شاخص‌ها را مشخص می‌کنند. در این زمینه‌ها باید با کار عمیق اجتهادی، نظریه‌پردازی‌های بومی بر مبنای اندیشه ناب اسلامی - ایرانی متناسب با زمان با پرهیز از التقاط و تأویل‌های شخصی صورت پذیرد. کارهای نظری تقلیدی از تئوری‌های غربی در حوزه علوم انسانی که مبنای متفاوتی با جهان‌بینی توحیدی دارند، نه تنها کمکی به حل مشکلات جامعه اسلامی نمی‌کنند بلکه بسیار خطرناک و آسیب‌زا هستند (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۵/۱۱/۰۲، ۱۳۸۵/۰۷/۱۳).

۱۳۸۷/۰۲/۱۴، ۱۳۹۰/۰۵/۱۹، ۱۳۹۰/۰۶/۰۲، ۱۳۹۵/۰۳/۲۹، ۱۳۷۱/۰۹/۱۹، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴ و ۱۳۹۰/۰۲/۲۷).

۳-۲-۲- برگزاری کرسی‌های نقد و نظریه‌پردازی: یکی از ملزومات اندیشه‌ورزی و تولید فکر، ایجاد زمینه تضارب آرا با برگزاری کرسی‌های نقد و نظریه‌پردازی با مباحثات قوی، شجاعانه، محترمانه، بدون پیش‌داوری و البته قانون‌مند است (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۶/۰۲/۲۵ و ۱۳۸۱/۱۱/۰۷، ۱۳۹۰/۰۲/۲۷). باید فضایی ایجاد شود که در آن، «آزادی بیان»، مقید به «منطق»، اخلاق و حقوق معنوی و مادی دیگران» تبدیل به فرهنگ اجتماعی و حکومتی گردد و آزادگی، تعادل، عقلانیت و انصاف، سکه رایج شود تا همه اندیشه‌ها در همه حوزه‌ها فعال و برانگیخته گردند و «زاد و ولد فرهنگی» که محصول «تضارب آرا و عقول» است، عادت ثانوی نخبگان و اندیشه‌وران گردد. برای بیدار کردن عقل جمعی، چاره‌ای جز مشاوره و مناظره نیست و بدون فضای انتقادی سالم و بدون آزادی بیان و گفت‌وگوی آزاد با «حمایت حکومت اسلامی» و «هدایت علما و صاحب‌نظران»، تولید علم و اندیشه دینی و در نتیجه، تمدن‌سازی و جامعه‌پردازی، ناممکن یا بسیار مشکل خواهد بود (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۱/۱۱/۱۶).

۴-۲-۲- رصد دائمی جریانات فکری و علمی: همواره باید از پیشرفت‌ها و تحولات جهانی در همه مفاهیم و مسائل فکری و علمی از قبیل فلسفه، جامعه‌شناسی و ... مطلع و هماهنگ شده تا با رویکردی فعال با مسائل مواجه شد. «رصد دائمی جریانات فکری و علمی»، هم برای نظریه‌پردازی و تولید فکر و هم برای نقد و پاسخ به شبهات روز ضروری است. این کار برای حفظ جریان نوآوری در حوزه علم و فناوری نیز ضرورت دارد (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۰/۰۶/۳۱، ۱۳۷۰/۱۲/۰۱، ۱۳۹۵/۰۶/۱۶ و ۱۳۹۲/۰۷/۱۷).

۳-۲- تولید علم

آنچه در درجه اول در ایجاد قدرت ملی مهم است، علم و ایمان است. دانش همواره در طول تاریخ مایه عزت، اقتدار و ثروت بوده و قدرت نظامی و سیاسی ایجاد کرده است. غرب و آمریکا به برکت علم توانستند بر کشورهای دنیا مسلط شوند؛ یکی از ابزارهایشان علم بود؛ ثروت را هم با علم به دست آوردند. اگر کشوری علم داشت، می‌توانید سخن برتر را بگویید و دست برتر را داشته باشید؛ اما اگر فاقد آن بود تحت سلطه دیگران خواهد بود. حقیقتاً کشوری که دستش از علم

تهی است، نمی‌تواند توقع عزت، استقلال، هویت و شخصیت، امنیت و رفاه داشته باشد. طبیعت زندگی بشر و جریان امور زندگی این‌گونه است. پیشرفت علمی و فراگیری، نیاز اول کشور و یک ضرورت مضاعف و مؤکد است؛ چون در طول صد سال از بهترین زمان‌ها از اواسط دوران قاجار که نهضت علمی و نهضت صنعتی دنیا اوج گرفته و شکوفا شده بود، حرکت علمی به‌دلیل گوناگون از جمله حاکمیت استبداد و طواغیت دست‌نشانده تعطیل و متوقف شده بود؛ لذا تلاش مضاعفی باید صورت گیرد تا این عقب‌ماندگی تاریخی جبران شود (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۸/۱۱/۱۳، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲، ۱۳۹۱/۰۹/۲۱). موضوع «تولید علم» در کلام امامین انقلاب اسلامی جنبه‌هایی دارد که می‌توان آن‌ها را در قالب شش محور به شرح زیر دسته‌بندی نمود:

۱-۳-۲- نهضت نرم‌افزاری، پیشرفت جهشی پرشتاب و مرزشکنی علمی: جبران

عقب‌ماندگی‌های علمی، به عزم و اراده جمعی برای سرعت‌بخشی به جریان علمی، «جنبش نرم‌افزاری» عمیق و همه‌جانبه، نوآندیشی، نوآوری و «تولید علم» و پیگیری این مسائل تا فرهنگ‌سازی و تبدیل شدن آن به گفتمان عمومی غالب نیاز دارد. البته با توجه به فاصله بسیار زیاد از دیگران و نقاط آرمانی هدف‌گیری شده، نه تنها توقف به‌هیچ‌وجه جایز نیست، بلکه علاوه بر سرعت گرفتن رشد علمی، حفظ و افزایش این سرعت نیز موردنیاز است. در این مسیر، «یافتن راه‌های میان‌بُر در تولید علم و فناوری»، از ملزومات اساسی برای مرزشکنی و افق‌گشایی جدید علمی به حساب می‌آید. قاعدتاً رفتن در همان راهی که دیگران قبلاً طی کرده‌اند، هیچ موقع نمی‌تواند کشور را به پیشتازی در عرصه دانش برساند. حوزه و دانشگاه، نقشی اساسی و تعیین‌کننده در این نهضت نرم‌افزاری و حرکت جهشی مستمر و پُرشتاب علمی دارد (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۹/۰۹/۲۰، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹، ۱۳۸۲/۰۵/۱۵، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷، ۱۳۹۱/۰۷/۱۲، ۱۳۸۵/۰۷/۱۳، ۱۳۸۷/۰۶/۰۵، ۱۳۹۵/۰۷/۲۷، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴ و ۱۳۸۸/۰۱/۲۶).

۲-۳-۲- عزت و مرجعیت علمی: برای تمدن‌سازی باید به کشور به عزت و مرجعیت

علمی در دنیا برسد؛ توقع از جامعه علمی کشور این است که تا پنجاه سال دیگر در رتبه بالای علمی دنیا قرار داشته باشد و یکی از مراجع عمده و درجه اول علمی دنیا باشد؛ یعنی همان‌طور که امروز همه ناچارند برای علم و دستیابی به محصولات علمی دانشمندان و کتاب‌های آنان در کشورهای دیگر مراجعه کنند، جوینده دانش و طالب علم مجبور باشد به سراغ دانشمندان و

کتاب‌های علمی ایران بیاید و مجبور شود زبان فارسی یاد بگیرد تا بتواند با تازه‌های دانش آشنا شود و از آن استفاده کند. هدف باید این باشد. این، یک آرزوست؛ یک قله است که نگاه کردن به آن، هیجان‌انگیز بوده و شوق رسیدن به آن را در دل همه به وجود می‌آورد؛ البته آرزوی خامی هم نیست و کاملاً دست‌یافتنی است (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۵/۰۳/۲۹، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸، ۱۳۸۴/۰۱/۲۵، ۱۳۸۶/۰۷/۰۹، ۱۳۹۱/۰۹/۲۱، ۱۳۹۲/۰۵/۱۵، ۱۳۹۵/۰۳/۲۹، ۱۳۸۴/۰۱/۳۰، ۱۳۸۴/۰۲/۱۴، ۱۳۸۴/۰۷/۰۳، ۱۳۹۲/۰۷/۱۷ و ...). اگر امروز کشور و ملت ایران توانست بر قله علم و فناوری بنشیند، سخن حق او در دنیا که همان استقلال امت اسلامی است، در بین مسلمان‌ها و در جوامع اسلامی جایگزین خواهد شد و ذهن‌ها بیشتر آن را قبول خواهد کرد (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۷/۰۹/۲۴، ۱۳۸۳/۰۴/۰۱). هدف‌گذاری حرکت علمی کشور باید افزایش دانش جهانی از طریق تولید فرآورده‌های جدید و ناشناخته دانش بشری در چارچوب ارزش‌های انسانی باشد. باید به دنبال تولید محصولات جدید علمی باشیم که دانش بشری تاکنون نتوانسته است آن‌ها را به دست آورد و آثار مخربی هم برای بشریت نداشته باشند. باید بر ثروت علمی بشر افزود و در مجموعه سرمایه علمی دنیا، به عنوان یکی از شرکای ذی‌دخل در مجموعه مسائل جهانی، سهم قابل توجهی یافت تا کشور بتواند به مثابه یک ملت و یک مجموعه انسان شریف، در دنیا شناخته شود (امام خامنه‌ای: ۱۳۹۳/۰۳/۱۹، ۱۳۸۵/۰۳/۲۹، ۱۳۷۲/۱۰/۰۱).

۳-۳-۲- درون‌زایی و خودکفایی علمی: یکی از زمینه‌های سلطه غرب بر جوامع، تسلط و انحصار علمی است که سرمنشأ تسلط بر حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ... شده است. شکستن این انحصار ظالمانه و رسیدن به خودکفایی علمی از طریق توجه به علم درون‌زا و بومی حاصل می‌آید. با پرورش استعدادها باید از درون جوشید نه مانند استخری که هرگونه آب آلوده‌ای در آن سرازیر می‌کنند و هر وقت هم خواستند آب را می‌کشند، بلکه مثل چشمه جوشان که از درون خود جوشش دارد. اینکه صرفاً از فرآورده‌های علمی دیگران بدون آنکه عمقی به دست آید فقط کلمات و اصطلاحات فراگرفته شود، به پیشرفت کشور کمکی نخواهد کرد، علاوه بر آنکه درهای بسیاری از دانش‌ها بر روی کشورها و غیردارندگان بست است و وقتی اجازه می‌دهند دانش منتقل شود که کهنه و دستمالی شده و از نویی و طراوت افتاده است (امام

خامنه‌ای: ۱۳۸۳/۰۴/۰۱، ۱۳۸۲/۰۸/۰۸، ۱۳۸۶/۰۴/۲۵، ۱۳۸۴/۰۲/۱۹، ۱۳۸۳/۰۸/۱۰، ۱۳۸۲/۰۵/۱۵.

۴-۳-۲- هدفمندی در تولید علم: از جمله عواملی که ارزش علم را بیشتر می‌کند، این است که علم با غایت و هدف‌های مشخصی که طبق نیازها تنظیم شده باشد، به‌طرف پیشرفت، توسعه و کمال سیر کند. برجستگی‌های یک جامعه در زمینه‌های ذهنی، فکری و علمی باید در خدمت تعالی و معنویت انسان قرار بگیرد (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۲/۰۲/۲۲، ۱۳۷۷/۰۲/۲۴، ۱۳۹۰/۰۷/۲۶).

۵-۳-۲- توسعه علوم پایه: البته هدفمندی و نیازمحوری در تولید علم به‌معنای غفلت از علوم پایه نیست چرا که این علوم، سرمایه بلندمدت محسوب شده و مانند یک گنجینه پرارزش، سرمنشأ تحول، پشتوانه سایر علوم و پایه نظری هر تحرک علمی و فناوری پیشرفته است. آن چیزی که کشورها را به اوج و قله می‌رساند، ریاضی، فیزیک، شیمی و علوم زیستی است (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۴/۱۰/۱۳، ۱۳۸۵/۰۵/۲۳، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴، ۱۳۹۵/۰۳/۲۹).

۶-۳-۲- تقویت بنیه علمی کشور: امروز در کشور، یکی از فزاینده‌ترین، تقویت بنیه علمی کشور است. اگر علم نباشد، اقتصاد، صنعت، حتی مدیریت و مسائل اجتماعی عقب خواهد ماند. باید از استعداد موجود جوانان و اساتید، برای افزایش علوم و تحقیقات در میدان ابتکار و اختراع و گسترش رشته‌های متعدد علمی و تحقیقی و فراگیری تحصیلات عالی حداکثر استفاده را کرد (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۹/۱۲/۰۹، ۱۳۷۸/۰۳/۱۲، ۱۳۷۱/۰۸/۱۹).

۴-۲- فناوری و نوآوری

کار با تولید علم پایان نمی‌پذیرد و برای پیشرفت واقعی به تکمیل چرخه ایده تا مصرف، نیاز است. نگاه به علم، بدون توجه به فایده علم برای کشور، مطلوب نهایی نیست. کار و تلاش علمی، مقدمه عمل است. علم نافع عبارت است از آن علمی که به کار کشور بیاید و مفید برای حل مشکلات کشور باشد. به عبارت دیگر علم باید ناظر به فناوری باشد و در صنایع و بازار خودش را نشان بدهد (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۳/۰۴/۱۷، ۱۳۹۳/۰۵/۰۱، ۱۳۹۱/۰۷/۱۳). این موضوع را می‌توان در سه سرفصل به شرح زیر تبیین نمود:

۱-۴-۲- پژوهش‌های هدفمند و کاربردی: تحقیق و پژوهش در حوزه و دانشگاه با

توجه به نیازهای آن، باید بر مبنای نیازهای مردم و کشور هدف‌دار شود و این لازمه‌اش این است که بانک اطلاعات و مرکزی وجود داشته باشد که همه بتوانند بدانند چه کارهایی انجام شده است و چه فعالیت‌هایی برای تکمیل یک مجموعه پژوهش لازم است تا بتواند این قطعات گوناگون در کنار هم جمع بشود. باید به دنبال علمی بود که برای کشور در حال و آینده لازم و نافع است. در این خصوص لازم است نیازسنجی انجام بگیرد و نیازهای امروز و فردا هم مورد ملاحظه قرار گیرند تا دانشجویی و دانش‌آموزی و فراگیری علم و تعلیم آن، بر مبنای نفع و نیاز باشد. عمل‌گرا تر شدن و کارآمدتر شدن پژوهش و تحقیق در کشور، چه از سوی استادان و برگزیدگان و چه از سوی دانشجویانی که در دانشگاه‌ها پایان‌نامه‌هایی را می‌نویسند، در همین راستا باید پیگیری شود. اصرار بر قرارگرفتن پیشرفت‌های علمی در خدمت نیازهای کشور، به علت محدودیت منابع ظرفیت‌های انسانی، مالی و مادی است (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۹/۰۷/۲۹، ۱۳۸۵/۰۵/۲۳، ۱۳۹۴/۰۸/۲۰، ۱۳۸۳/۰۹/۲۶، ۱۳۹۲/۰۵/۱۵، ۱۳۸۵/۰۷/۱۳).

۲-۴-۲- حمایت از کارآفرینی و شرکت‌های دانش‌بنیان: هماهنگی، حمایت و

پشتیبانی از شرکت‌های دانش‌بنیان (از روش‌های مختلف نظیر برنامه‌ریزی و تسهیل اشتغال دانشجویان در مشاغل علمی و ...) یکی دیگر از وظایف و مسئولیت‌ها است. یافته‌های علمی و صنعتی بایستی بتوانند در کشور تولید ثروت کنند، لذا مشارکت فعالانه در «تجاری‌سازی و ترویج محصولات دانش‌بنیان» از همان ابتدای تعریف پروژه‌های علمی، باید مورد توجه قرار گیرد. «پشتیبانی و هدایت صحیح پارک‌های علم و فناوری و شهرک‌های تحقیقاتی»، مسئله دیگری است که به نقش آفرینی فعال دانشگاه نیاز دارد (امام خامنه‌ای: ۱۳۹۴/۰۶/۰۴ و ۱۳۹۵/۰۳/۲۵، ۱۳۸۹/۰۷/۱۴، ۱۳۸۰/۰۹/۱۹).

۳-۴-۲- اکتساب فناوری: در سیاست‌های کلی کشور ابلاغی مقام معظم رهبری در

موضوعات مختلف مانند انرژی، خودکفایی دفاعی - امنیتی، علم و فناوری و ...، همواره بر موضوع دستیابی به علوم و فناوری‌های پیشرفته تأکید شده است که در این زمینه نیز جامعه علمی کشور می‌بایست نقش مؤثر خود را ایفا نماید (سیاست‌های کلی برنامه پنجم، سیاست‌های کلی نظام در

زمینه انرژی، سیاست‌های کلی بخش معدن، سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه، سیاست‌های کلی نظام در موضوع خودکفایی دفاعی و امنیتی و سیاست‌های کلی علم و فناوری).

نتیجه‌گیری

با توجه به رسالت و فلسفه وجودی حوزه‌های علمیه و دانشگاه و نیازمندی‌های ایجاد و تحقق یک تمدن نوین اسلامی، نقش‌آفرینی این دو مرکز در تمدن‌سازی امری بدیهی و البته ضروری است. الگوی نقش‌آفرینی حوزه و دانشگاه در تمدن‌سازی، تصویری شفاف از چگونگی این امر را از منظر امامین انقلاب اسلامی نشان می‌دهد. براساس شاخص‌های به‌دست‌آمده می‌توان پیشنهادهایی برای استفاده مؤثر از این الگو و تکمیل آن مطرح نمود.

۱- گفتمان‌سازی و ترویج مؤلفه‌ها و شاخص‌های نقش‌آفرینی حوزه و دانشگاه در

تمدن‌سازی برای تصمیم‌سازی و شکل‌گیری مدل ذهنی مشترک برای مسئولان،

اساتید، دانشجویان، پژوهشگران دانشگاهی و مدیران حاکمیتی و هم‌چنین ایجاد

خواست عمومی و مطالبه اجتماعی؛

۲- ارزیابی وضع موجود نقش‌آفرینی با توجه به شاخص‌های ارائه‌شده به‌عنوان معیار

سنجش؛

۳- الگوبرداری و یادگیری تجربه‌های موفق در زمینه نقش‌آفرینی در سطح کشور و

جهان و

۴- مطالعه روابط بین مؤلفه‌ها و شاخص‌های به‌دست‌آمده و پیشنهاد الگوی عملیاتی

نقش‌آفرینی با تعیین عناصر اهرمی و کلیدی آن.

فهرست منابع

- احمدی فشارکی، حسنعلی (۱۳۸۵)، دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام خمینی (ره)، چ پنجم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- جمعی از طلاب و محققین حوزه علمیه (۱۳۹۰)، روشنائی علم: مروری بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی پیرامون دانش و تولید علم، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۰)، دانشگاه تمدن‌ساز، روابط فرهنگی، ش ۲: ۱۵-۱۱.
- خرمشاد، محمدباقر؛ آدمی، علی (۱۳۸۸)، انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن‌ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن‌ساز، تحقیقات فرهنگی، س ۲، ش ۶، ۱۸۸-۱۶۱.
- دبیرخانه تحول و تعالی دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام) (۱۳۹۵)، منشور دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام) در بیان و بنان ولایت، چ سوم، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام).
- سفیدخوش، میثم (۱۳۹۶)، ایده دانشگاه، ترجمه جمعی از مترجمان، تهران: حکمت.
- شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۴)، سبک رهبری خدمت‌گذار الگویی متعالی برای فرماندهان و مدیران، تهران: مرکز امامت، مرکز باقرالعلوم (علیه‌السلام).
- مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (۱۳۹۲)، شورای عالی انقلاب فرهنگی: رهنمودهای مقام معظم رهبری در دیدار با شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- مخبر دزفولی، محمدرضا؛ آژینی، محسن (۱۳۸۹)، منشور فرهنگی انقلاب اسلامی (مجموعه رهنمودها و دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی در عرصه فرهنگ، علم و فناوری)، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- نجان‌طوسی، حامد؛ فاتح‌راد، مهدی؛ برزنونی، محمدعلی (۱۳۹۸)، دانشگاه تراز انقلاب اسلامی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام).
- خامنه‌ای، سیدعلی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، آخرین تاریخ به‌روزرسانی ۱۴۰۱/۰۱/۲۸ به نشانی www.khamenei.ir
- موسوی الخمینی (ره)، سیدروح‌الله، صحیفه امام خمینی (ره)، پایگاه اینترنتی گسترش آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره)، آخرین تاریخ به‌روزرسانی ۱۴۰۱/۰۱/۲۸ به نشانی www.rouhollah.ir

